

## آثار سنتهای ایرانی در مراسم ماه محرم در کارائیب\*

در زمینه مطالعات فرهنگ عامه ایران، یکی از بزرگترین شخصیتها استاد محمد جعفر محبوب است. مطالعاتی که من در زمینه آثار سنتهای ایرانی در مراسم ماه محرم در کارائیب انجام داده‌ام بدون مراجعه مکرر به نوشته‌های فاضلانه پرفسور محبوب امکان پذیر نبود. به همین علت این مقاله را به عنوان هدیه هفتادمین سال تولد، به این محقق پزارج تقدیم می‌کنم و امیدوارم صد سال دیگر هم زنده باشد.

برای شیعیان، شهر کربلا و مزار امام حسین، مرکزی مهم در تمام سال و به‌خصوص در ایام ماه محرم است. و به‌همین مناسبت در اطراف مزار وی یکی از بزرگترین گورستانهای جهان به‌وجود آمده است، چون هر شیعه‌ای مایل است در آنجا دفن شود. از طرف دیگر در نقاطی که فاصله زیادی با کربلا ندارند، مثلاً در ایران، شرکت کنندگان در مراسم محرم شبه تابوتی را به‌دوش می‌کشند که یادآور تابوتی‌ست که پیکر امام در آن از میدان جنگ به‌مزار همیشگی‌اش منتقل شد. در بین مراسم و شکل‌های مختلف آیینهای محرم، حمل تابوت کار اصلی و اساسی این مراسم در قسمتهای مرکزی ایران است. این تابوت را اصطلاحاً «نخل» می‌نامند، چون طبق

\* از طرف Smithsonian Institution, Washington, D.C. سه بار در ماه محرم سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ و

۱۹۹۲ به کارائیب سفر کردم تا از مراسمی که به‌اختصار در این مقاله از آن یاد کرده‌ام، گزارش و فیلم تهیه کنم.

سنتهای محلی، تابوت اصلی از شاخه‌های درخت خرما درست شده بوده است. برش عرضی هر یک از این نخلها، قوس گلابی‌شکلی دارد و به ابعاد بسیار بزرگ، به اندازه یک ساختمان سه طبقه نیز ساخته می‌شود و اغلب به‌توسط بیش از ۱۵۰ نفر حمل می‌گردد. رویوش نخل به رنگهای سنتی، سبز برای خانواده پیامبر اسلام، و سیاه به علامت عزاداری می‌باشد. قسمت جلوی نخل با آینه تزیین می‌شود تا حمل کنندگان نخل و نیز جمعیت بتوانند تصویر خود را در آن ببینند و به این ترتیب در درد و مصیبت شهادت حسین شریک باشند (تصویرهای ۱ و ۲).

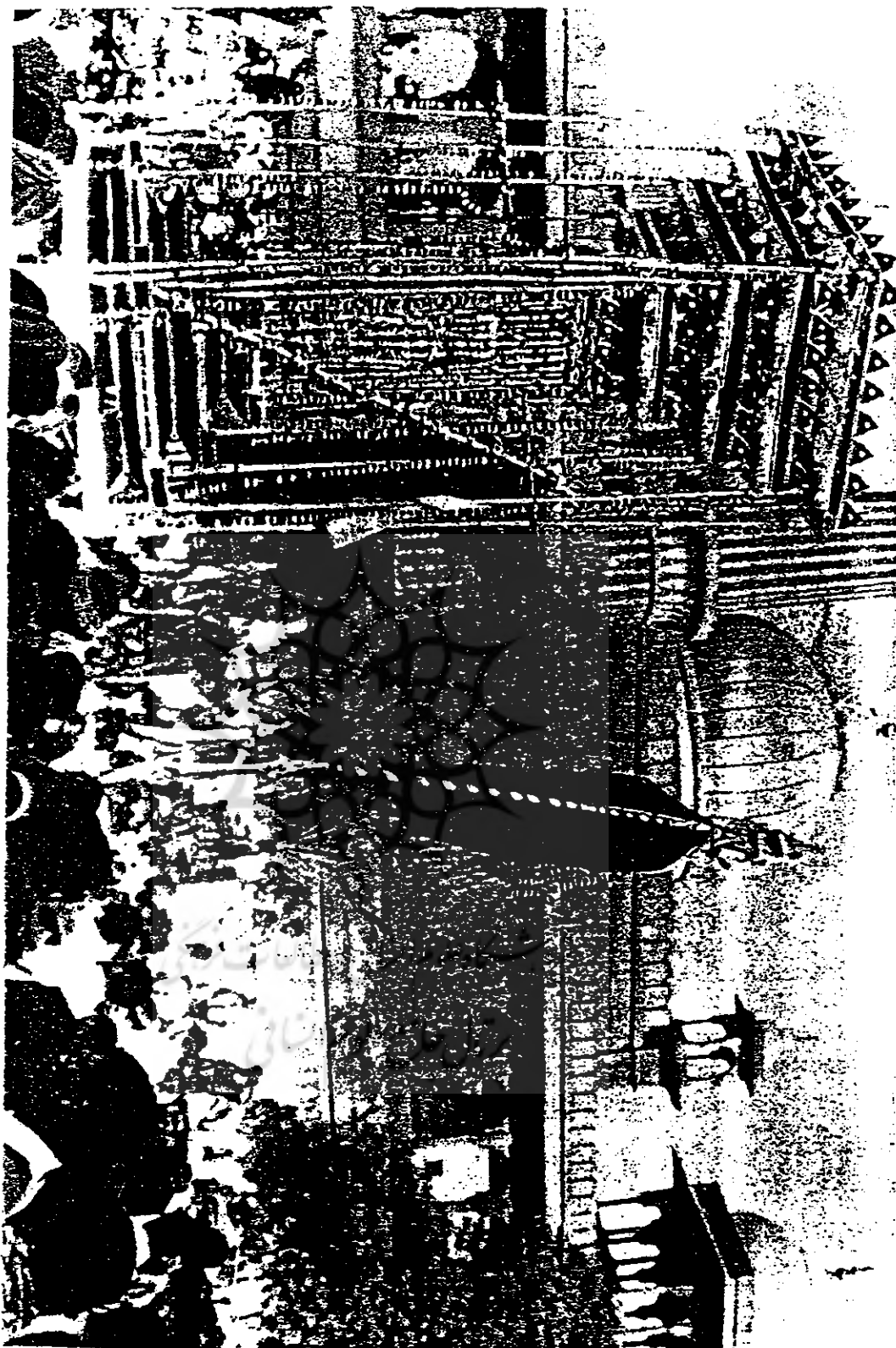
در نقاطی که از کربلا دورتر است مانند قفقاز و هند، به جای نخل، مدلی خیالی از گنبد و بارگاه امام حسین را در این مراسم حمل می‌کنند که هم نمایشگر تابوت است و هم مزار حسین. از طرف دیگر چون مردم قفقاز و به‌خصوص شبه قاره هند، فاصله زیادی با کربلا دارند و سفر کردن به آن شهر در روزگار گذشته برایشان مشکل بوده و حمل جنازه مردگان نیز به کربلا با مشکلاتی روبرو بوده است. در هند، نقاطی هم به عنوان کربلای محلی به وجود آمده است تا نقش گورستان کربلای واقعی را برای کسانی داشته باشد که نمی‌توانند جنازه مردگان را به آن محل ببرند. برای تشکیل این کربلاهای محلی، مقداری از خاک کربلای اصلی را آورده و در محل مورد نظر پاشیده‌اند تا خاک گورستان جدید تقدیس شود. به‌علاوه در طول چند قرن اخیر، مدلهایی نیز از گنبد و بارگاه حسین به نام «تعزیه»، برای مراسم سالانه محرم در هند ساخته‌اند. حتی در حال حاضر که سفر کردن به نقاط مختلف جهان و عکسبرداری کار ساده‌ای است، و هر هنرمندی می‌تواند فرصت دیدار مزار حسین را در کربلا داشته باشد، هیچ‌گاه از شکل اصلی آرامگاه برای ساختن این شبه مقبره‌ها استفاده نمی‌کنند. اعتقاد بر این است که نفس عمل خلاقیت هنرمندانه، خود نوعی عبادت در بزرگداشت حسین است و این خلاقیت بر حفظ طرح اصلی بنای مقبره ترجیح دارد. در هند، این «تعزیه»ها به شکلها و اندازه‌های مختلف ساخته می‌شوند، از ساختمانهای سمبلیک کوچک از جنس papier mache رنگی و نی گرفته (تصویر ۴) تا بناهای بزرگی که یا باید توسط تعداد زیادی آدم حمل شود و یا روی چرخ حرکت داده شوند (تصویرهای ۳ و ۵). بنابراین تجسم مراسم ماه محرم، رابطه مستقیم دارد با فاصله محل برگزاری مراسم از کربلا. آنها که نزدیکتر به کربلا هستند بیشتر به «اصل» وفادار مانده‌اند در حالی که مردم نقاط دورتر بیشتر تحت تأثیر فرهنگها، مذاهب و مراسم محلی خویش قرار گرفته‌اند. تحول مراسم مربوط به محرم را می‌توان با تحول مراسم هفته مقدس مسیحی از اورشلیم تا آلمان جنوبی،



۱ - «نخل» بزرگ در دستة عزاداری ماه محرم. بزرگی این نخل به حدی است که بیش از ۱۵۰ تن باید آن را حمل کنند (مهریز، یزد).



۲ - «نخل» کویچک که مسرلاً دو تا چهار تن آن را حمل می کنند، در قسمت جلو آن، تصویر خیالی گنبد و بارگاه امام حسین در کربلا، بر روی زمینه سیاه فلادبوزی شده است (شیراز، ۱۳۷۶ م.)



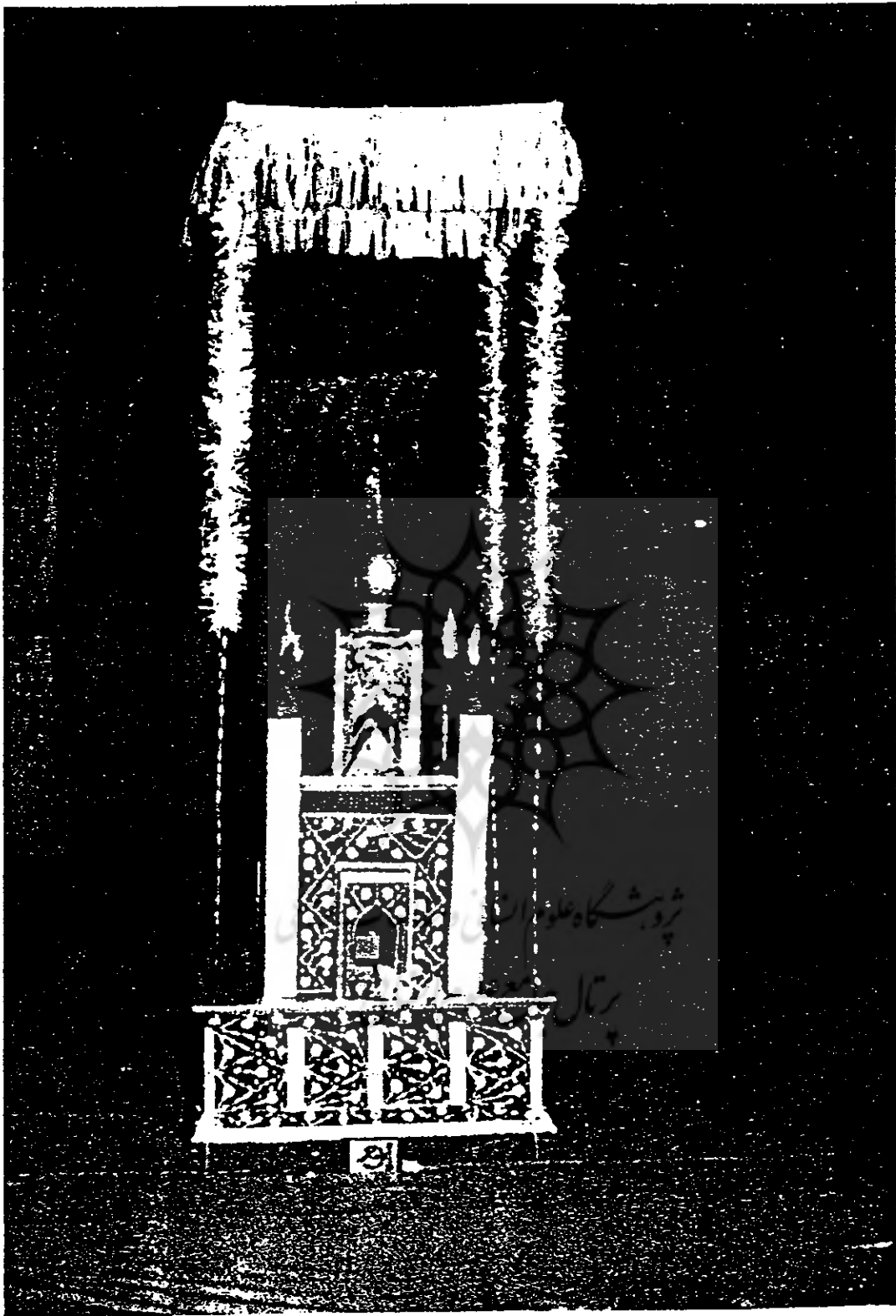
۳ - «هنزویه» بزرگ که در مراسم عزاداری ماه محرم در دهلی، هند حرکت داده می‌شود. در پس‌آین مسجد جامع دیده می‌شود. بیشتر «هنزویه»های هند شبیه به مساجد هندی‌ست، ولی این «هنزویه» که شباهتی به ساختمان ندارد، حاصل تصور هنرمند سازنده آن است.

ایتالیای جنوبی، اسپانیا و گواتمالا مقایسه کرد.

برای مثال در هند مذهب هندو و مراسم و جشنهای مربوط به آن تأثیر فراوانی بر مراسم محرم گذاشته است که یک نمونه آن عبارت است از در آب فرو کردن بنای «تمزیه» در خاتمه فراسم محرم. در واقع هندوستان منطقه پرباری برای تغییر در بسیاری از جوانب مراسم مربوط به محرم بوده است. موضوع قابل توجه مهم دیگر آن است که در هند شیعیان، سنیان و هندوها همگی در این مراسم محرم شرکت می کنند.

در باره اجرای مراسم محرم در کارائیب به این امر باید توجه کرد که از سال ۱۸۴۵ تا ۱۹۱۷ میلادی، عده زیادی هندی به عنوان کارگر روزمرد به کارائیب منتقل شدند و همین افراد بودند که مراسم محرم را با خود به این محل آوردند. در سال ۱۸۳۴، انگلیسی ها بردگانی را که در مزارع نیشکر در مستعمرات کارائیب خود داشتند، آزاد کردند. در آن زمان، یعنی قبل از وقوع چندرقت، در سطح تجارتنی، شکر هنوز محصول بسیار پر ارزشی بود و تولید آن یکی از منابع مهم درآمد به حساب می آمد. از آنجا که بردگان قبلی کارکردن در مزارع نیشکر را — ولو به عنوان کارگر آزاد — هنوز بردگی به حساب می آوردند و برای کار به شهرها می رفتند، صاحبان مزارع برای جلوگیری از زیان مالی، تعداد زیادی کارگر حقوق بگیر از هند، به خصوص از ایالت اوتار پرادش، به کارائیب آوردند. مخارج سفر این کارگران به عهده کارفرما بود و بعد از یک دوره پنج ساله کار با دریافت حقوق، یک بلیط برگشت به هند هم به آنها داده می شد. ولی اکثریت این کارگران پس از پایان قرارداد، در همان جا ماندند و با حفظ مذهب و فرهنگ خود تأثیر زیادی بر فرهنگ محلی گذاشتند. یکی از آثار فرهنگی که این هندیان با خود به کارائیب آوردند، برگزاری مراسم ماه محرم بود که کم کم بقیه ساکنان آن محل را نیز تحت تأثیر خویش قرار داد.

توضیح این موضوع را لازم می داند که قسمت بزرگی از منطقه ای که امروز به اسم اوتار پرادش در هند شناخته می شود، در قرن هیجدهم و نوزدهم استان اود Oudh (یا: آواد Avadh) نام داشت و تحت حکومت یک سلسله شیعه ایرانی اداره می شد که در سال ۱۷۰۷ از خراسان به هند مهاجرت کرده بودند. نوابها و سلاطین اود از مراسم و آیینهای شیعیان بسیار حمایت می کردند. از جمله مراسم ماه محرم در سراسر این منطقه اجرا می شد و سنیان و حتی هندوها هم در آن شرکت می کردند. پایتخت اود، یعنی شهر لکنهو Luchnow امروزه نیز پر است از بناهای چشمگیر مربوط به پیشوایان تشیع و به خصوص شهدای کربلا.<sup>۲</sup>



۴ - «تمزیه» کوچک که در «امام‌باره» نواب آصف الدوله در لکنهو، هند قرار داده شده است. در پشت آن پارچه‌های علمها به چشم می‌خورد.

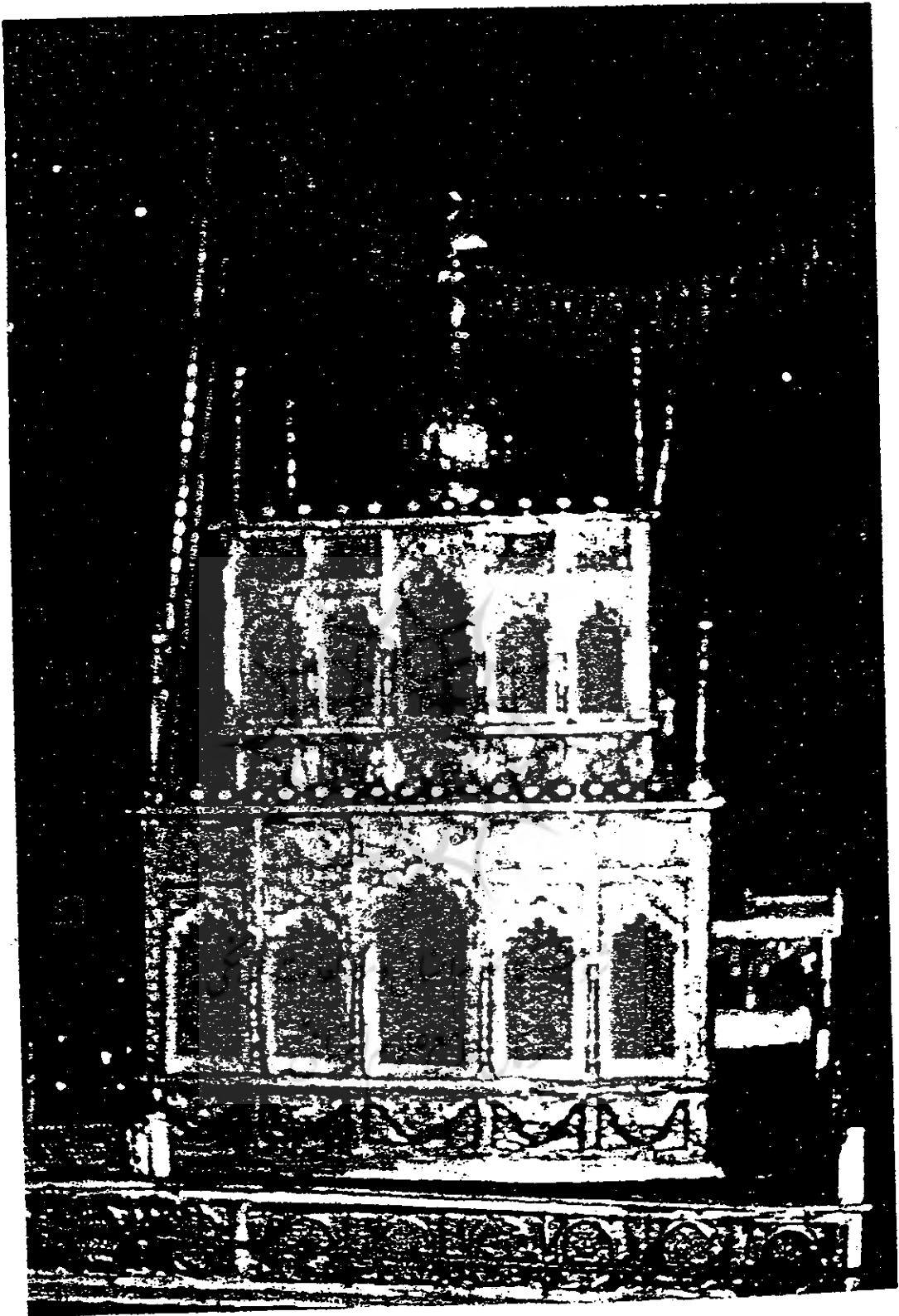
بعد از این که هندیها قدم به خاک کارائیب گذاشتند، مراسم ماه محرم که در کارائیب به نام هوسه (Hosay) نامیده می‌شود، در واقع به نشانه اتحاد بین این کارگران مهاجر و نوعی سرکشی علیه حکومت مستعمراتی تبدیل گردید<sup>۲</sup> و تا امروز، همین مراسم هندیهای جزیره ترینیداد واقع در کارائیب را با سرزمین اصلیشان یعنی هند مرتبط می‌سازد. این ارتباط ناشی از اختلاط مذاهب هندو و اسلام است. با وجود آن که این مراسم در ترینیداد با رسوم کرنول، مسیحی و آفریقایی مخلوط شده است چنان که بسیاری از کسانی که امروز «تجه» (tadjah = «تجزیه» در هند) می‌سازند، مسلمان نیستند بلکه پیرو مذاهب هندو یا مسیحی هستند و از انواع مختلف نژادها و رنگها نیز در ایشان دیده می‌شود. ذکر این موضوع لازم به نظر می‌رسد که به خصوص در گویان، انگلیس، «تجه» نشانه سرکشی کارگران مزارع نیشکر علیه اربابان انگلیسی تلقی گردید و در ترینیداد این طغیانها به مصیبتی منجر گردید:

در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۸۸۴ یکی از دردناک‌ترین وقایع تاریخی مربوط به هندیان جزیره ترینیداد در کارائیب انگلیس به وقوع پیوست. در این روز عده‌ای از شرکت کنندگان در مراسم محرم شیعیان که در این جزیره بیشتر به نام فستیوال «حسین» یا «هوسه» نامیده می‌شود هدف گلوله پلیس مستعمراتی که تحت حمایت یک جوخه سربازان انگلیسی بود قرار گرفتند. با در نظر گرفتن موارد مشابه در این جزیره، تعداد تلفات بسیار بود، چه لاقل شانزده نفر کشته و بیشتر از صد نفر زخمی شدند.

علت وقوع این حادثه را باید در ضمن عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن منطقه جستجو کرد.<sup>۳</sup>

مراسم هوسه در کارائیب، به خصوص در ترینیداد تحت تأثیر بعضی از مراسم آفریقایی نیز قرار گرفته و هوسه نیز به نوبه خود بر کارناوال، که یکی از تماشایی‌ترین مراسم ترینیداد است تأثیر گذاشته و به همین جهت نیز معروف شده است. به این ترتیب می‌بینیم که توسعه و تحول و تغییر شکل مراسم ماه محرم از اصل خود، تا شکلهای امروزی آن در کارائیب نتیجه عوامل فرهنگی گوناگونی بوده که ابعاد مختلفی به این مراسم داده است. همانند سنتهای مسیحی و مراسم مربوط به مصلوب شدن مسیح، می‌بینیم که هر قدر از مرکز وقوع حادثه دورتر می‌شویم، صحنه‌های این مراسم مفصلتر می‌شود. جالب‌ترین جنبه تحول آیین محرم در ترینیداد آن است که این عزاداری با نوعی جشن پایان می‌یابد!





۵ - «ضریح» (=تقریه) که از نقره ساخته شده، در «امام‌باره» شاه نجف در لکنه، هندیه نمایش گذاشته شده است. این گونه «تقریه»ها که از فلزات گرانبها و نیمه گرانبها ساخته می‌شود، در دسته‌های عزاداری حمل نمی‌گردد و تنها برای نمایش در «امام‌باره» است.

امروزه در ترینیداد برای مراسم محرم دو مرکز اصلی وجود دارد. یکی در شهر سن‌جیمز در شمال، و دیگری در منطقه سدروس در جنوب غربی جزیره. تفاوت‌های اصلی مراسم مذکور در این دو مرکز به شرح زیر است:

۱ - در سن‌جیمز، از هر چهار گروه برگزارکننده مراسم محرم سه گروهشان خانوادگی هستند در حالی که در جنوب، ارتباط خانوادگی بین افراد گروه‌های برگزارکننده کمتر است و تشکیل این گروه‌ها بیشتر بر اساس ارتباطات اجتماعی است. در سن‌جیمز، علاوه بر ساختن و گرداندن «تجه»، دو «ماه» بزرگ هم می‌سازند و آنها را در این مراسم حمل می‌کنند. این دو «ماه» نمایندگان حسن و حسین، امامان دوم و سوم شیعیان و دو نوه محمد، پیامبر اسلام هستند.

۲ - در شمال، قسمت اصلی مراسم، از جامعه مسلمانان گرفته شده است، به خصوص از مسلمانان شیعه (با این حال باید توجه داشت که در ترینیداد به‌طور کلی تفاوت بین فرقه‌ها تقریباً محو شده است). تنها استثناء در بین مسلمانان، کسانی هستند که به «جمعیت مسلمین» وابستگی دارند که سنّیانی متعصب هستند و خود را مدافع خالص ماندن اسلام و جدا بودن از دیگران می‌دانند. این گروه بسیار سیاسی است و مخالف مراسم محرم در ترینیداد نیز می‌باشد. در نتیجه، آنها که مراسم محرم را برگزار می‌کنند، به خصوص برگزارکنندگان مسلمان باید بسیار مراقب باشند که مورد انتقاد سایر برادران مسلمان عضو «جمعیت مسلمین» قرار نگیرند.

در جنوب تعداد مسلمانان بسیار کم است و مراسم ماه محرم اکثر توسط هندوها و مسیحیان برگزار می‌گردد. این امر تحول جدیدی نیست، بلکه به نظر می‌آید که سنت پابرجایی در آن قسمت از ترینیداد بوده است. اگرچه مراسم محرم در ترینیداد را باید به‌طور کلی یک نوع مراسم هندی دانست (و باز هم تأکید می‌کنم که این مراسم برای عزاداری نیست)، فستیوال منطقه سدروس در جنوب یکی از بهترین نمونه‌های ادغام فرهنگی است. خود مردم ترینیداد نیز این مراسم را یک فستیوال هندی می‌دانند.

۳ - جنبه دیگری را که باید در نظر داشت آن است که در شمال (سن‌جیمز)، مراسم هوسه بیشتر حالت یک فستیوال شهری را دارد، در حالی که این مراسم در سدروس جنبه روستایی دارد و بیشتر به طبیعت نزدیک است. ذکر این موضوع نیز لازم است که تمام دهات منطقه سدروس مزارع نیشکر و نارگیل هستند (یا بوده‌اند) و در کنار دریا قرار دارند.

در هر دو منطقه، هوسه تشکیل می‌شود از:

الف - ساختن مدلی از گنبد و بارگاه امام حسین که در واقع شبیه آن نیست بلکه تخیل هنرمند است از شکل گنبد و بارگاه اصلی (مثل نمونه‌های هندی). این نمونه همان‌طوری که گفتیم «تجه»<sup>۶</sup> نامیده می‌شود، گرچه این روزها کمتر این اسم را به کار می‌برند زیرا «هوسه» هم به مراسم اطلاق می‌گردد و هم به خود این نمونه گنبد و بارگاه.

ب - به علاوه، تجه کوچکتری هم ساخته می‌شود که مخصوص حسن، برادر حسین است. نکته عجیب در این مورد آن است که اکثریت شرکت کنندگان در مراسم معتقدند که حسن همراه حسین در کربلا کشته شده است در حالی که حسن دوازده سال زودتر از برادر خود از دنیا رفته و احتمالاً توسط همسرش مسموم شده است. معمولاً از حسن و حسین با اسم تثنیه عربی «حسین» یاد می‌شود و در بسیاری از کشورهای مسلمان در طول محرم از حسن نیز یادبودی به عمل می‌آید، نزدیک شدن این دو برادر به هم در هند و ترینیداد ممکن است تحت تأثیر افسانه‌های هندی و داستان برادران توأمان (دوقلو) باشد.

ج - پرچمهایی می‌سازند و در مراسم مذکور حمل می‌کنند.

د - غذاهای مخصوصی تهیه می‌کنند،

ه - طبلهای تاسا و باس جدید می‌سازند، پوست طبلهای قدیمی را عوض می‌کنند

و طبل می‌نوازند.<sup>۷</sup>

سابقاً ساختن تجه چهل روز طول می‌کشید ولی اکنون به علت کمبود نیروی کار و استفاده از روشها و مصالح جدیدتر (مانند استایروفوم) مدت زمان ساختن آن به مراتب کمتر شده است. در ضمن از سنتهای قدیمی در مورد رنگ و شکل و تزئینات آن هم بسیار دور شده‌اند. هم در شمال و هم در جنوب ترینیداد ارتفاع تجه محدود شده است به ۱۵/۵ فوت و این به علت ارتفاع سیمهای برق و تلفن در خیابانهاست. در هر دو منطقه، هر گروه «امام باره» (یا «عاشورخانه» = «حسینیه» در ایران)<sup>۸</sup> سه نفر سردسته دارد که مسؤول برگزاری مراسم، کسب اجازه از پلیس و حفظ نظم و انتظامات جمعیت در طول اجرای مراسم هستند. همین‌طور افرادی تحت عنوان سرکارگر، کارگران سازنده و افراد مسؤول طبل و طبل‌نوازان فعالیت می‌کنند.

این مراسم در روز اول محرم آغاز می‌شود. آنها که مسؤول ساختن تجه هستند از خوردن گوشت، غذاهای سرخ شده، الکل و نزدیکی با زن پرهیز می‌کنند، در موقع کارکردن در امام باره کفشها را باید دریاورند، ورود به این منطقه اگرچه قاعدهً برای زنان

منوع است ولی در عمل اگر در حالت عادت ماهانه نباشند می‌توانند در آن کار کنند. کسانی که برای ساختن تبه کار می‌کنند به شرحی که ذکر شد باید پاک باشند. این دوره، سابقاً چهل روز طول می‌کشید. امروزه، اگرچه عده‌ای هنوز از نظر حفظ تقوا، اصل پاکی را از اول چهل روز رعایت می‌کنند، ولی اکثراً این دوره را از اول محرم شروع می‌نمایند.

در هر دو محل، خود مراسم تقریباً دارای شکل اصلی یکسانی است (گرچه چند فرق نسبتاً مهم هم وجود دارد). در سدروس، مراسم با روز پرچم آغاز می‌شود که روز هفتم محرم است. هر گروه برگزار کننده، «چوک» (chowk، کلمه‌ای هندی‌ست) مخصوص خود را دارد که عبارت است از یک فضای مربع شکل که در طول دوره سه روزه مراسم، محل مقدسی به‌شمار می‌آید. این چوک معمولاً نزدیک به کارگاهی‌ست که تبه در آن ساخته می‌شود.

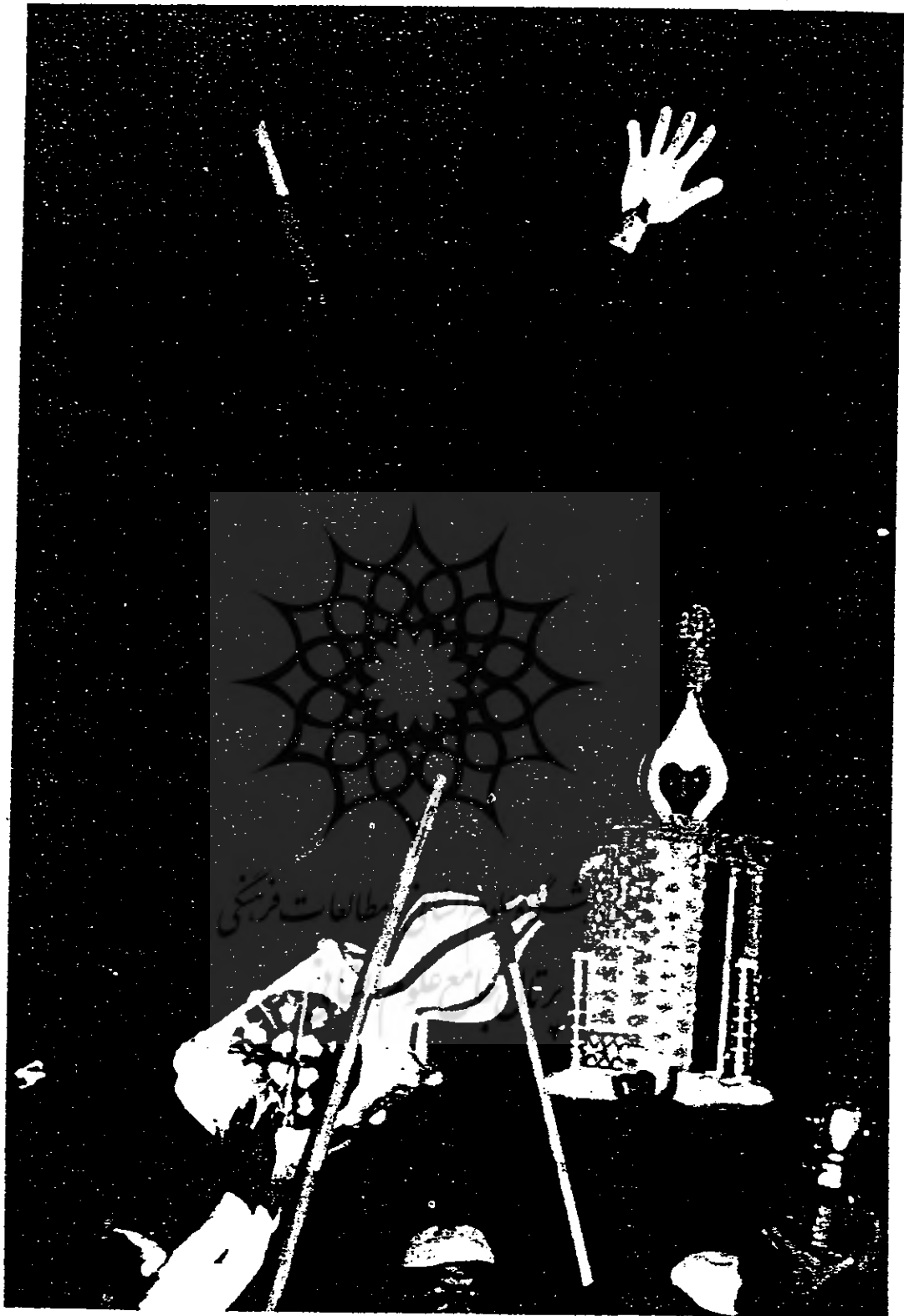
در روز پرچم، شخصی که به نام «مجاور» خوانده می‌شود، برای خواندن دعا به محل اجرای مراسم می‌آید، این کار باید قبل از ظهر انجام بشود. در حال حاضر در سدروس، «مجاور» آقای قاسم آیت‌الله است که سرجوخه پلیس هم هست. قبلاً پدر این شخص، «مجاور» منطقه سدروس بود تا این که چهار سال پیش بر اثر سکت، توانایی خود را برای انجام این کار از دست داد. آقای آیت‌الله سنی‌ست و تحصیلات مذهبی خود را در مسجد سن جیمز به پایان رسانیده است.

در وسط چوک، گودالی‌ست با دو چراغ نفتی که نماینده و مظهر حسن و حسین هستند. در یک طرف گودال، یک عودسوز و یک لیوان شربت قرار دارد. «مجاور» مقداری عود به روی زغالها می‌ریزد و مراسم را به زبان عربی شروع می‌کند. خواندن دعا با صدای بلند و کوتاه در حدود یکی دو دقیقه ادامه دارد. این ادعیه معمولاً آیاتی از قرآن است و با سوره فاتحه، اولین سوره قرآن، شروع می‌شود. بعد از این که دعا خوانده شد پرچمهای قرمز و سبز در اطراف چوک نصب می‌شود. در سمت چپ، پرچمهای قرمز برای حسین گذاشته می‌شود و در سمت راست، پرچمهای سبز برای حسن. علت انتخاب این رنگها آن است که قرمز علامت خون است و سبز علامت سم. اکثر پرچمها قرمز رنگ هستند و بقیه به رنگ سبز (در سن جیمز در عمل از رنگهای مختلفی استفاده می‌شود). در سر چوب پرچمها «بنجه»‌های فلزی نصب می‌کنند.

طبله‌های تاسا و باس قبل از مراسم و هم در طول مراسم نواخته می‌شود. مردم هنگام شب در اطراف چوک جمع می‌شوند و «مجاور» برای خواندن دعا می‌آید. بعد از دعا،

دسته به راه می‌افتد. طلبها به صدا در می‌آیند و پرچمها که اکثراً توسط زنان حمل می‌گردد، از چوک حرکت داده می‌شود. در طول شب پنج نفر با سینه‌های مخصوصی، مخفیانه از محل اجرای مراسم خارج شده به سمت «کربلا» می‌روند. هر گروه کربلای خود را در کنار ساحل دارد. این نقاط محل‌های مخصوصی است که در طول سال از آنها به عنوان مکان مقدس حفاظت نمی‌شود. این کار، تنها مخصوص دوره برگزاری مراسم ماه محرم است. در محل این کربلاها، مشتی خاک از زمین برمی‌دارند و در دو پارچه سفید می‌پیچند و دور آن را نوار باریکی می‌بندند تا شبیه دو جنازه کوچک بشود که مطابق سنت مسلمانان برای دفن حاضر شده است. این دو بسته را روی سینی می‌گذارند و روی آن عطر می‌پاشند و در همین حال دعاهایی نیز خوانده می‌شود. بعد سینی روی سر شخص بلندپوی حمل می‌گردد و گروه‌های کوچک دوباره به دسته می‌پیوندند. در این موقع مرثیه‌هایی هم خوانده می‌شود. در آخر شب محتوی سینه‌ها را در گودال وسط چوک می‌گذارند.

روز بعد (روز هشتم محرم) مراسم «تجه کوچک» انجام می‌شود. این تجه، فقط در حدود دو یا سه فوت ارتفاع دارد. در حال حاضر، هم در سن جیمز و هم در سدروس آنها را از استایروپوم می‌سازند. این تجه در همان روز ساخته می‌شود و شب، آن را در چوک می‌گذارند. باز هم طبل زده می‌شود و «مجاور» وارد می‌گردد. در این جا نمونه‌های کوچک جنازه‌ها در یک «تربت» (مقبره) کوچک گذاشته می‌شود که آن را نیز به نوبه خود در تجه کوچک می‌گذارند. دو چراغ نفتی کوچک در گودال گذاشته می‌شود و «مجاور» کمی عطر به داخل و خارج تجه می‌پاشد. در همین موقع شاخه‌های عود را در جلوی گودال به زمین فرو می‌کنند و «مجاور» برای انجام وظایف خود به سایر کارگاهها می‌رود. تجه کوچک را روی سر مردی می‌گذارند و در حالی که یک نفر با فانوس از جلو حرکت می‌کند و عده‌ای هم طبل می‌نوازند تجه را هفت بار به جهت خلاف حرکت عقربه‌های ساعت دور چوک می‌گردانند. در این جا زنان و دختران جوان هم در حالی که پرچمهای زیبای زیادی در دست دارند به تجه می‌پیوندند. اوج هیجان شب موقعی است که تجه یک گروه با تجه دیگری که از جهت مخالف می‌آید ملاقات و همدیگر را لمس می‌کنند. این برخورد دو تجه به یکدیگر نشانه بوسیدن دو برادر یعنی حسن و حسین است (تصویر ۶). در این مراسم هزاران نفر شرکت می‌کنند و بسیاری از تماشاگران هم در طبل زدن همکاری می‌نمایند. هیجان مردم در انتظار شب بعد زیاد می‌شود که عبارت است از شب «تجه بزرگ». تا حدود ساعت ۱۱ شب تمام تجه‌های



۶ - دو «تجه» کوچک، نمایشگر مقبره امام حسن، در مراسم روز هشتم ماه محرم در ترینیداد. حساس‌ترین لحظه اجرای مراسم آن است که دو «تجه» یکدیگر را می‌بوسند (سیدروس، ۱۹۹۲ م. عکاس: ب. چلکوفسکی).

کوچک کم کم به چوکهای خود برگشته‌اند و تا نیمه شب «مجاور»، تربت را برداشته و در گودال چوک می‌گذارند.

بعد از نیمه شب پنج نفر به‌طور مخفیانه تبه کوچک را (که اکنون خالی‌ست و به زبان محلی «مُرده» گفته می‌شود) از چوک بر می‌دارند و به سمت دریا می‌روند. هیچ کس، حتی کسانی که در کارگاه هستند نباید این را ببینند. در کنار ساحل، «مجاور» دعای کوتاهی می‌خواند و یکی از مردان، تبه کوچک را به داخل آب می‌برد و رها می‌کند، در حالی که بقیه پشت به آب ایستاده‌اند. سپس این گروه در سکوت مطلق بر می‌گردند. کسی از اهل محل، اهمیت این قسمت خاص از مراسم را درست نمی‌داند، ولی من گمان می‌کنم این قسمت مربوط است به این موضوع که در شب تاسوعا امام حسین دستور داد چراغهای اردویش را خاموش کنند تا کسانی که از کشته‌شدن به همراه او در جنگ می‌ترسیدند، بتوانند بدون خجالت در تاریکی از اردو بروند.

در حدود ساعت شش بعد از ظهر روز تاسوعا یک دیوار متحرک کارگاه (= امام‌باره) برداشته می‌شود و پایه و قسمت اصلی تبه به داخل حیاط برده می‌شود و در آن‌جا «تاجگذاری» انجام می‌گردد (قسمت بالای آن که معمولاً به‌شکل گنبد است روی تبه گذاشته می‌شود). در حالی که قسمت بالا از روی نردبان نصب می‌گردد، صدای طبل هم مرتب به گوش می‌رسد و بالاخره آخرین کارهای تزیینی تبه انجام می‌شود. بعداً تبه را روی چرخ می‌گذارند تا بتوان آن را در «دسته» حرکت داد. در این موقع اطراف پایه را با پارچه سفید پوشانده‌اند و دو پرچم، یکی به رنگ قرمز یکی به رنگ سبز که بر سرشان «پنجه»، تقریباً با زاویه ۴۵ درجه، نصب شده است در قسمت جلوی تبه قرار می‌دهند. در حالی که طبل نواخته می‌شود دوازده مرد، تبه را روی شانه‌هایشان به چوک می‌برند و هفت بار چوک را در جهت خلاف عقربه‌های ساعت طواف می‌کنند (بدون شک تحت تأثیر روش طواف کعبه در هنگام مراسم حج). بالاخره تبه را در چوک می‌گذارند، «مجاور» دعا می‌خواند و داخل تبه را عطر می‌پاشد (یک منفذ کوچک برای تربت وجود دارد که از داخل گودال برداشته شده و اکنون درون تبه قرار دارد). بعد، بیرون تبه را عطر می‌پاشد و بالاخره سر کارگر به روی تمام شرکت‌کنندگان عطر می‌پاشد و همه چیز و همه کس را معطر می‌سازد.

در این موقع شیرینیهایی به نام حلوا و ملیدا پخش می‌شود. تبه را در چوک می‌گذارند و تمام کسانی که در ساختن آن همکاری داشته‌اند برای صرف غذا دعوت می‌شوند. این، اولین غذای گوشت‌دار است که در داخل کارگاه صرف می‌شود زیرا این

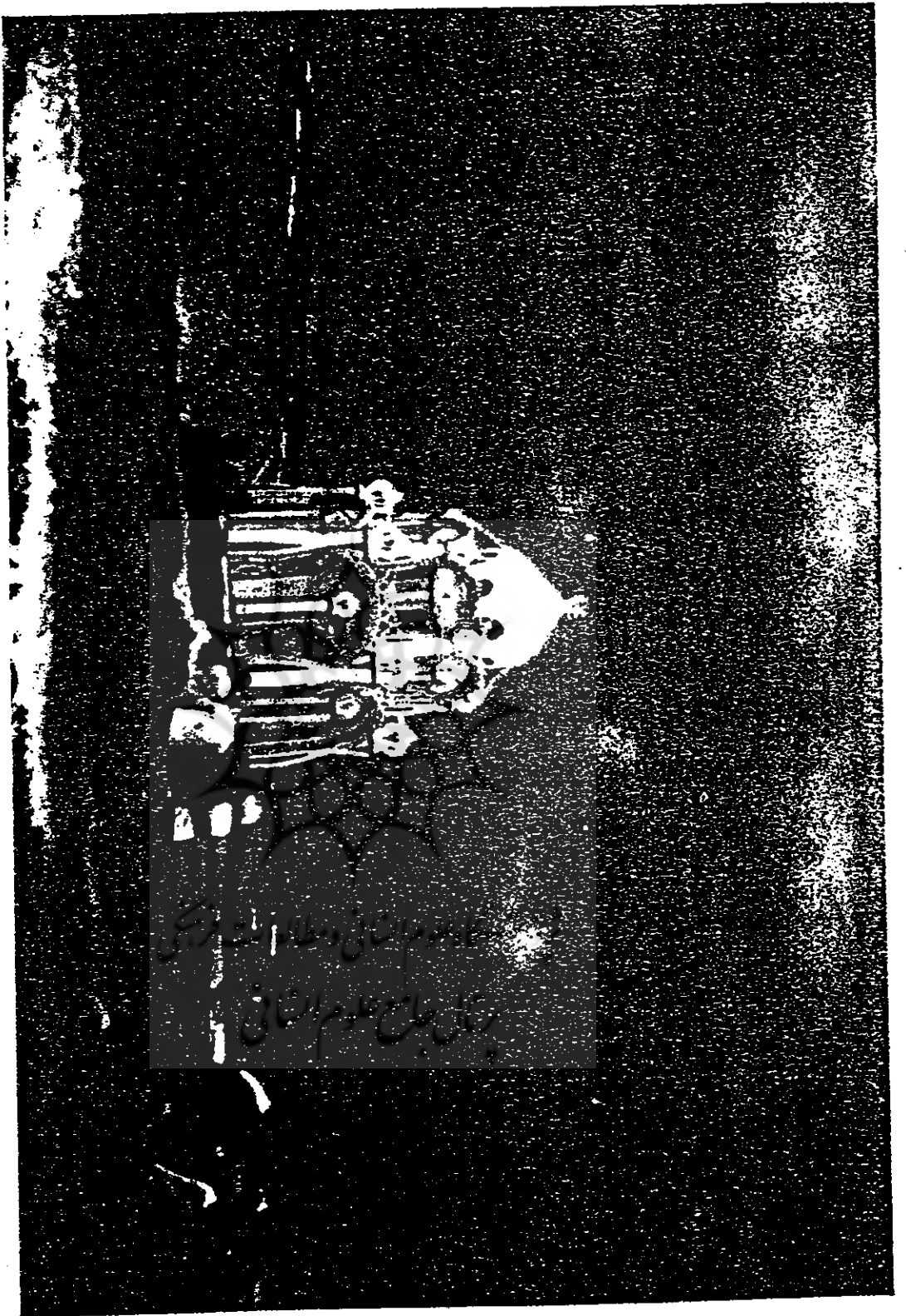
محل بعد از خارج کردن تبه بزرگ دیگر حالت تقدس خود را از دست داده است. در حدود ساعت ۹ شب مراسم شروع می‌شود. تبه را دوباره در حالی که طبل نوازان در جلوی آن و پرچم‌دارها در عقب آن حرکت می‌کنند، دور چوک طواف می‌دهند و سپس روی چرخ می‌گذارند. سپس تبه‌های دسته‌های مختلف یکی پس از دیگری به حرکت در می‌آیند. تعداد شرکت کنندگان در این مراسم بسیار زیاد است و هیجان آنها حالت کارناوال را به یاد می‌آورد. تماشاچیان به صدای بلند شکل و تزئینات تبه‌ها را تحسین می‌کنند و از دیدن دختران جوان و خوش‌لباسی که در عقب دسته حرکت می‌کنند لذت می‌برند. تماشاچیان به راحتی و به وضوح در مورد رقابت دسته‌های مختلف در ساختن بهترین تبه اظهار نظر می‌کنند (این تبه‌ها تا این موقع از نظرها مخفی بوده است). بین طبل‌نوازان هم رقابت و مسابقه هست، ولی با این وجود نه قضاوتی وجود دارد نه جایزه‌ای به کسی داده می‌شود. اوج مراسم ساعت ۱۱ شب است که تبه‌ها یکدیگر را می‌بوسند. در این موقع کنترل کردن جمعیت بسیار مشکل می‌شود و اکثر بنا به رسوم ترینیداد، بیشتر به حال و هوای کارناوالی موضوع توجه دارند.

در این هنگام مقدار نوشیدن روم و آبجو بین تماشاگران بیشتر و بیشتر می‌شود و صدای طبلها هم مرتباً اوج می‌گیرد. بین ساعت دو و سه بعد از نیمشب (روز عاشورا)، «مجاور» تربت داخل تبه‌ها را یک‌به‌یک برمی‌دارد و محتویات آن را در کربلای محلی در کنار ساحل دفن می‌کند. بنا به روایات محلی، تبه در این موقع «مرده» است. سپس تبه به حیاط کمپ مربوطه (نه به چوک) برده می‌شود و تا صبح همان‌جا می‌ماند. بعد از استراحتی، دوباره تبه‌ها را حرکت می‌دهند ولی این بار دیگر برنامه خاصی وجود ندارد و جمعیت هم هنوز مشغول نوشیدن آبجو و روم هستند. «مجاور»، دعای کوتاهی می‌خواند، مرثیه و داع خوانده می‌شود و بالاخره وقتی که آفتاب دارد غروب می‌کند، مردان، تبه را روی شانه به دریا می‌برند و آن را در دریاها رها می‌سازند (تصویر ۷). ابتدا تبه روی آب شناور می‌ماند ولی بزودی موجها آن را سرفگون می‌کنند و با تاریک شدن هوا مردان آن را به سمت شرق می‌رانند.

روز بعد وقتی تبه، یا قسمتهایی از آن دوباره توسط امواج به ساحل برگردانیده می‌شود، افراد کارگاهها تکه‌های آن را جمع‌آوری و دفن می‌کنند. بعضی از تکه‌ها مانند پایه را برای استفاده مجدد به کارگاه می‌برند. به این ترتیب حاصل روزها کار و خلاقیت هنرمندان و کارگران ظرف بیست و چهار ساعت بعد از تکمیل توسط خود سازندگان نابود می‌گردد. این، معمولاً لحظه غم‌انگیز و بدون شک دردناکی است و به این علت

جم  
و  
به  
بچ  
ر  
رها  
للق  
ند،  
امام  
مراه  
رگاه  
و در  
روی  
صدای  
این  
نی به  
سمت  
روی  
ساعت  
لاخره  
(یک  
ن تبه  
تمام  
چوک  
دعوت  
بر این





بزرگ‌ترین نمازگزاران  
 در مراسم شب عاشورا در تبریز  
 در روز ۱۲ بهمن ۱۳۹۲

۷ - «رَبِیَّة» بزرگ‌نمازگزار گنبد و بارگاه امام حسین، در مراسم شب عاشورا در تبریز، ۱۲ بهمن ۱۳۹۲. عکاس: پی. عاشورا، و در حالی که خورشید در حال غروب کردن است، در دریا مرقی می‌سازند (بیدروس، ۱۳۹۲، عکاس: پی. جلیگوندگی).

چشمهای اشک آلود فراوانی در بین جمعیت دیده می‌شود. با وجود آن که معنای اصلی مراسم ماه محرم در کارائیب از بین رفته، ولی لحظات آخر آن شروع غم‌انگیزش را به یاد می‌آورد و جمعیت نیز به‌طور ناخود آگاه عکس‌العمل درست و موقرانه نشان می‌دهند. سال بعد توجه‌های جدیدی ساخته می‌شود که بعد از عمر کوتاهشان، دور از دشت کربلا، به امواج دریای کارائیب سپرده می‌شود.

مطالعات شرقی، مرکز هاگوب کورکیان، دانشگاه نیویورک

### زیرنویسها:

۱ - تمزیه، نوعی نمایش در ایران است. رجوع فرمایید به کتاب *Taziye: Ritual and Drama in Iran* نوشتهٔ یتر چلکوفسکی، نیویورک ۱۹۷۹. در هند افسانه‌ای هست که می‌گوید تمزیه توسط تیمور لنگ به آن‌جا برده شده است. طبق این روایت، تیمور به امام حسین بسیار معتقد بوده است و به همین دلیل دستور داده بود نمونه کوچکی از مقبره حسین ساخته شود. این نمونه هر جا که تیمور می‌رفت همراه او بود.

۲ - J.R.I. Cole, *Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq*, University of California Press, 1988.

Veena Talwar Oldenberq, *The Making of Colonial Lucknow 1856-1877*, Princeton University Press, 1988.

Rosie LLewllyn-Jones, *A Fatal Friendship: The Nawabs, the British and the City of Lucknow*, Oxford University Press, Delhi, 1985.

۳ - «هوس» (Hosay) از کلمه «حسین» گرفته شده که گاهی به شکل Hosayin هم نوشته می‌شود.

۴ - «تمزیه» که از لغت عربی «عزا» گرفته شده بعد از تغییرات فونتیکی از زبان اردو به زبان هندی رفته و تبدیل به «تجه» شده است. امروزه گاهی «تجه» را «هوس» هم می‌نامند یعنی مراسم و شیء مربوط به آن هر دو یک اسم پیدا کرده‌اند.

۵ - Kelvin Singh, *Bloodstained Tombs: The Muharram Massacre 1884* Macmillan, 1988, p.1

۶ - به منظور وضوح مطلب در این مقاله به شیء ساخته شده «تجه» و به خود مراسم «هوس» گفته می‌شود.

۷ - بدنهٔ طبل تاسا از جنس سرامیک است، شکل مخروطی دارد، روی آن با پوست بز پوشانده شده و با دو چوب نواخته می‌شود. قطر متوسط روی طبل در حدود ۱/۲۵ فوت است. طبلهای باس را از کُندهٔ خالی شدهٔ درخت می‌سازند و سر و ته آنها را با پوست بز می‌پوشانند. این طبلها معمولاً سه فوت ارتفاع و دو فوت قطر دارند. بسیاری از این طبلها را باید هر سال پوست نو بیندازند چون پوست قبلی به علت ضربه‌های شدید، رطوبت، و تغییر درجهٔ حرارت پاره می‌شود.

۸ - «امام باره» در ترینیداد اطاعتک مسقفیست که سه دیوار ثابت و یک دیوار متحرک دارد تا بتوان قطعات «تجه» را به راحتی از طرف دیوار متحرک از آن خارج کرد و در بیرون امام باره آنها روی هم نصب نمود.

۹ - «مجاور»: «... کسی که در مکانی مقدس مانند مکه، مدینه، نجف و کربلا اقامت گزیند...» به نقل از فرهنگ فارسی معین.

۱۰ - معنای سمبلیک «پنجه» پنج عضو خانوادهٔ مقدس محمد، پیامبر اسلام است، یعنی محمد، دخترش فاطمه،

پسر عمو و دامادش علی، و دو نوه‌اش، حسن و حسین.

چلکوفسکی